

## تحلیل روانکاوی دین در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریهٔ اریک فروم زهره قنبرعلی باغنی<sup>۱</sup> - دکتر شهین اوجاق علیزاده<sup>۲</sup> - دکتر ماندانا هاشمی اصفهان<sup>۳</sup>

### چکیده

رابطه‌ی میان قرآن، دین و روان‌شناسی نوین یکی از مباحثی است که مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. اریک فروم نسبت به دین رویکرد مثبتی دارد. او پیشوایان دینی و روان‌کاوان را به مقابله با فساد روحی در جوامع صنعتی ترغیب می‌کند. از دیدگاه وی، دین سیستم فکری و عملی است که هیچ فرهنگی در گذشته و آینده نمی‌تواند بدون آنکا به آن وجود داشته باشد. وی دین را به دو دسته‌ی اقتدارگرا و انسان‌گرا تقسیم می‌کند. در مقابل دین‌گرایی در اشعار سیمین بهبهانی بسیار ساده و لطیف است. این نوع نگاه به شریعت از قرآن، سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه‌ی وی نشأت گرفته است. هدف از این جستار، بررسی روانکاوی دین در اشعار سیمین بهبهانی بر اساس دیدگاه روان‌شناسی اریک فروم است و این که مسأله‌ی دین با توجه به مؤلفه‌هایی که در طبقه‌بندی ادیان فروم انجام شده است؛ در دین مبین اسلام با تکیه بر اشعار بهبهانی می‌تواند مطابقت داشته باشد. روش پژوهش در این مقاله، تحلیلی - توصیفی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ادیان اقتدارگرا و انسان‌گرا با تکیه بر نظریه‌ی فروم، در دین اسلام و شریعت‌گرایی بهبهانی بر اساس آیات قرآنی، روایات و احادیث قدسی دارای اشتراک‌ها و اختلاف‌هایی است.

### واژگان کلیدی: اریک فروم، سیمین بهبهانی، دین، قرآن، روان‌شناسی.

<sup>۱</sup>. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران  
st.z\_ghanbaralibaghni@riau.ac.ir

<sup>۲</sup>. استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران  
alizade@riau.ac.ir

<sup>۳</sup>. استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران  
hesfahani@riau.ir

### مقدمه

روان‌شناسی یکی از راه‌های ارتباط با روح، باورهای دینی و اخلاقی کردن زندگی انسان‌ها است. روان‌شناسی دین به مطالعه‌ی علمی دین از منظری روان‌شناختی می‌پردازد. پالوتزیان<sup>۱</sup> در تعریف روان‌شناسی دین می‌گوید: «روان‌شناسی دین گستره‌ای است که به مطالعه‌ی باورها و اعمال دینی از دیدگاهی روان‌شناختی می‌پردازد. این بدین معنا است که در اینجا هدف، درک فرآیندهای روان‌شناختی است که رفتارها و تجارب دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این گستره ما تلاش می‌کنیم تا تأثیرات چندگانه‌ی محیطی، شخصی و اجتماعی که رفتار و تجربه‌ی دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مدّ نظر قرار دهیم و به ترسیم تئوری‌ها و پژوهش‌هایی بپردازیم که امکان آشکارسازی فرآیندهای روان‌شناختی میانجی در دینداری را فراهم می‌کنند» (Paloutzian, ۱۹۹۶: ۲۸-۲۹).

هود<sup>۲</sup> و همکارانش اظهار می‌دارند که «روان‌شناسی دین در مفهومی کلی، نگاه به دین از یک دیدگاه روان‌شناختی، و در مفهومی خاص از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی است» (Hood, ۱۹۹۶: ۱). کالینز<sup>۳</sup> معتقد است که در میان تعاریف متعدد روان‌شناسی دین، معتبرترین تعریف مربوط به تولس<sup>۴</sup> است: «مطالعه‌ی روان‌شناختی دین تلاش برای درک رفتار دینی از طریق به کار بستن اصول روان‌شناختی است که از بررسی رفتار به معنای کلی کلمه حاصل می‌شود» (Collins, ۱۹۹۶: ۲۸۱-۲). از این‌رو بررسی روان‌شناختی دین بر مبنای قانونمندی‌های حاکم بر رفتار صورت می‌گیرد و در همین قانونمندی‌ها جزئی از اجزای روان‌شناسی عمومی انسان می‌شود. دین در نوشته‌های فروم معنای گسترده‌ای دارد. از نظر وی «ریشه‌های عمیق نیاز به یک نظام مشترک جهت‌گیری و یک مرجع اعتقاد و ایمان را می‌توان در شرایط زیستن انسان یافت» (فروم، ۱۳۶۳: ۳۴). در مقابل دین گرایبی در اشعار بهبهانی برآمده از آیه‌ی (يُرِيدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْاَيْسَرَ وَاَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ)<sup>۵</sup> بسیار لطیف و ساده به تصویر کشیده شده است،

زیرا وی دین را حقیقتی الهی می‌داند و نشانه‌های ایمان و تسلیم در برابر خداوند همراه با بهره‌گیری از مفاهیم داستانی و قصص قرآنی در اشعارش کاملاً مشهود است. هدف از این پژوهش تحلیل مسأله‌ی روان‌شناسی دین، با توجه به مؤلفه‌های طبقه‌بندی شده‌ی ادیان در نظریه‌ی فروم در اشعار بهبهانی است. این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که

مسأله‌ی دین با توجه به مؤلفه‌هایی که در تقسیم‌بندی ادیان در دیدگاه فروم است، چه اشتراکات و اختلافاتی در شریعت مقدس اسلام با تکیه بر اشعار سیمین بهبهانی دارد؟

### بیان مسأله

انسان موجودی اجتماعی است که نیازهای خود را در اجتماع تأمین می‌کند. یکی از مهم‌ترین عوامل زندگی اجتماعی، داشتن نگرش مشترک است، یعنی داشتن بینشی مشترک که سبب پیدایش رفتارهای سازگار شود. «نگرش‌های متفاوت و به ویژه متعارض، به رفتارهای ناسازگار می‌انجامد و رفتارهای ناسازگار سبب درگیری‌های اجتماعی می‌شود. نتیجه‌ی این درگیری‌ها از دست دادن توانایی‌هایی است که ممکن بود زمینه‌ساز دستیابی به آرامش اجتماعی و شایستگی‌های فردی باشد. این‌گونه درگیری‌ها به طور مستقیم به سلب آرامش و کمالات انسانی می‌انجامد. بنابراین در زندگی اجتماعی، انسان نیازمند نگرش مشترک است» (کریمی، ۱۳۸۲: ۳۸-۳۰).

از نظر اریک فروم، یکی از راه‌های مهم دستیابی به این نگرش، دین است. وی تلاش می‌کند نادرستی این عقیده را که اگر ما اصول دینی را نپذیریم نمی‌توانیم به روح انسان علاقه‌مند باشیم؛ آشکار می‌کند و معتقد است که روان‌کاو به این نکته پی می‌برد که «مسأله‌ی اساسی، بازگشت انسان به دین و اعتقاد به خدا نیست، بلکه این نکته است که آیا در زندگی انسان، عشق و محبت جایی دارد یا نه؟» (فروم، ۱۳۶۳: ۱۹). فروم در تجزیه و تحلیل‌های خود از نظریه‌ی نوفروردیان کمک می‌گیرد.

### پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی بررسی نظریات اریک فروم در اشعار شاعران فارسی زبان و به‌خصوص اشعار سیمین بهبهانی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان به مقاله‌ی «نشانه‌های رشد و تباهی در شعر سیمین بهبهانی بر اساس نظریه‌ی اریک فروم» از حسین زری‌فام و علی دهقان (۱۳۹۳) اشاره کرد که نمودهایی از رشد، مانند عشق به زندگی و انسان و تقابل آن با تباهی مانند عشق به مرگ و خودشیفتگی مورد واکاوی قرار گرفته است. مقاله‌ی «بررسی مبانی انسان‌شناسی دیدگاه‌های اریک فروم» از علی مصباح و محمدعلی محیطی اردکانی (۱۳۸۹)، مبانی انسان‌شناسی مانند اومانیزم، ماهیت انسان، دین و از خودبیگانگی را با توجه به معارف اسلامی مورد نقد قرار می‌دهد. با توجه به

بررسی‌های به عمل آمده، جست‌وجوها نشان می‌دهد که هیچ مقاله‌ای با عنوان «روانکاوی دین در اشعار سیمین بهبهانی براساس نظریه‌ی اریک فروم» تاکنون انجام نگرفته است.

### ۱- بحث و بررسی

نگاهی گذرا به خاستگاه دین از دیدگاه فیلسوفان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان موجب دستیابی به تبیین باورهای دینی می‌گردد. طبق نظر میرچا الیاده<sup>۶</sup> (۱۹۰۷-۱۹۸۶)، دین از تقسیم امور به مقدس و نامقدس آغاز می‌گردد. امور مقدس به ساحت فوق طبیعت تعلق دارند و معمولاً بسیار قادر و سرشار از نیرو پنداشته می‌شوند و انسان در مواجهه با آن‌ها احساس می‌کند که با چیزی متعلق به جهان دیگر تماس گرفته است که با واقعیات عادی زندگی تفاوت دارد؛ در صورتی که امور غیرمقدس این اوصاف را نداشته‌اند.<sup>۷</sup> نقش دین این است که شرایط «مواجهه با ساحت قدسی را ایجاد نموده و ارتقا بخشد (الیاده، ۱۳۹۳: ۱۶۵). رودولف اتو<sup>۸</sup> (۱۹۳۷-۱۸۶۹)، فیلسوف آلمانی، دین را «مواجهه‌ی روح و جان آدمی با امر قدسی می‌داند. معنای ظاهری امر قدسی وصف خیرخواهی و خوبی محض است، اما بُعد مخفی آن، که از راه حالت و احساسی عمیق در وجود انسان کشف می‌شود، حقیقت مینوی آن است» (شیروانی، ۱۳۸۱: ۵۱).

در نظر داوید امیل دورکیم<sup>۹</sup> (۱۹۱۷-۱۸۵۸)، جامعه‌شناس فرانسوی «دین نه امری خیالی و ساختگی، بلکه کاملاً حقیقی است، اما این حقیقت همان چیزی نیست که معتقدان به ادیان تصور می‌کنند. اعتقادات و مناسک دینی در تحلیل نهایی، بیان نمادین واقعیت‌های اجتماعی است» (مک کواری، ۱۳۸۷: ۲۳۳). کارل هاینریش مارکس<sup>۱۰</sup> (۱۸۸۳-۱۸۱۸)، جامعه‌شناس آلمانی، معتقد است کارکرد دین «آرامش دادن به انسانی است که در این جهان، احساس می‌کند همه‌ی نیروهای هستی بی‌رحمانه بر ضد او بسیج شده اند» (مارکس، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۴). اگوست کنت<sup>۱۱</sup> (۱۸۵۷-۱۷۹۸) «پیدایش دین را معلول جهل علمی بشر و به انسان نخستین و اولین دوره‌ی تکامل ذهن بشری مربوط می‌داند» (توسلی، ۱۳۷۱: ۶۱-۵۹).

در مقابل روان‌شناسانی مانند زیگموند فروید<sup>۱۲</sup> (۱۹۳۹-۱۸۵۶) منشأ دین را ناتوانی انسان در مقابله با نیروهای طبیعت در بیرون از خود و نیروهای غریزی درون خویش می‌دانند. به عقیده‌ی او، دین «تکرار تجربه‌ی کودکی است: همان طور که کودک می‌فهمد که با اتکا به پدر خود، ستایش او و ترس از او می‌تواند به مقابله با وضع ناامن خود

پپردازد، انسان نیز به همین شیوه، با نیروهای خطرناک اطراف خویش به مقابله برمی‌خیزد. به همین سبب، منشأ مذهب را ناآگاهی بشر از علت علمی پدیده‌ها و ترس از آنها می‌داند» (فروم، ۱۳۶۳: ۲۱). کارل گوستاو یونگ<sup>13</sup> (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱) دین را یک جنبه‌ی اصلی از فرایند روان‌درمانی و زندگی می‌داند. یونگ در روان‌شناسی تحلیلی خود از دین و دیگر امور مورد علاقه‌ی خویش «از نقطه نظر پدیده‌شناسی تحقیق می‌کند، که به این معناست که سروکارش با واقعیت‌ها و مشاهدات و تجربیات و خلاصه با محسوسات است» (یونگ، ۱۳۹۰ الف: ۴).

اریک فروم<sup>14</sup> از جمله روان‌شناسانی است که در باب دین نظریه‌ی جالب توجهی دارد. فروم در کتاب «روان‌کاوی و دین» ابتدا به مفهوم شناسی بحث دین پرداخته است. به اعتقاد او، دین «یک چارچوب جهت‌گیری به انسان می‌دهد. برای پیش‌گیری از خطر دیوانگی، فرد به نوعی چهارچوب جهت‌گیری نیاز دارد تا موجب دلبستگی او شود. این نیازها از زمره‌ی قوی‌ترین منابع انرژی در انسان است که به شیوه‌های مختلف برآورده می‌شود» (فروم، ۱۳۷۰: ۹۹). فروم نیاز دینی را یک نیاز ریشه‌دار می‌داند که در واقع جزء ذاتی هستی انسان است، همچنین «نیاز به دین نیاز به یک الگوی جهت‌گیری و مرجعی برای اعتقاد و ایمان است» (فروم، ۱۳۶۳: ۳۸). بنابراین در تعریف دین می‌توان گفت: «پدیده‌ای است که در قالب رفتار در بشر نمود می‌یابد و این رفتار به عنوان طرز بودن، عمل کردن و زیستن موجود زنده که براساس یک مبادله‌ی کنشی، فضایی زمانی بین ارگانیزم و محیط، از اعمال فیزیولوژیک متمایز می‌گردد» (منصور و دیگران، ۱۳۶۵: ۱۷۸).

## ۲- انواع ادیان از دیدگاه اریک فروم

فروم دین را «به دو دسته‌ی؛ «Authoritarian» و «Humanistic» تقسیم می‌کند» (فروم، ۱۳۶۳: ۴۸). در این مقاله به جای واژه‌های فوق از «ادیان اقتدارگرا» و «ادیان انسان‌گرا» استفاده شده است.<sup>15</sup>

### ۲-۱- ادیان اقتدارگرا

فروم تعریف واژه‌ی دین در فرهنگ آکسفورد را بیشتر تعریف دقیقی از دین اقتدارگرا می‌داند. دین اقتدارگرا «یک قدرت نامرئی برتر را باز می‌شناساند که بر سرنوشت انسان تسلط دارد و اطاعت و احترامش لازم و واجب است» (همان). در این نوع ادیان، انسان به

وسایله‌ی قدرتی خارجی و برتر اداره می‌شود. دلیل پرستش، فرمانبرداری و احترام خصایص و کیفیات اخلاقی، خدا یا عشق او یا عدالتش نیست؛ بلکه این واقعیت است که «این قدرت برتر بر انسان مسلط است و حق دارد او را به پرستش خود وا دارد. بی‌احترامی و فرمان نبردن نیز گناه محسوب می‌شود» (همان: ۴۹). ادیان اقتدارگرا دارای اصول زیر هستند:

### ۲-۱-۱- تسلیم در برابر قدرت برتر

عنصر اساسی در ادیان اقتدارگرا، تسلیم در برابر قدرتی فراتر از قدرت انسان است. «در این نوع از دین، فرمانبرداری برترین تقوا و نافرمانی بزرگ‌ترین معصیت به شمار می‌رود. همان قدر که خدا قادر مطلق است، انسان ناتوان و پست انگاشته می‌شود و تنها موقعی می‌تواند احساس نیرومندی کند که با تسلیم کامل در برابر این قدرت، فیض یا لطف او را شامل حال خود سازد» (همان: ۵۲). تسلیم در برابر یک مرجع نیرومند و تمکین از او یکی از راه‌هایی است که انسان از احساس تنهایی و محدودیت خویش فرار کند. او ضمن تسلیم، استقلال و تمامیت خود را در مقام یک فرد، گاه از دست می‌دهد، اما احساس حمایت شدن به وسیله‌ی نیروی پرهیبت و شوکت، در او به وجود می‌آید و خود جزئی از آن می‌شود.

در اشعار سیمین نشانه‌های ایمان و تسلیم در برابر قدرت خدا کاملاً مشهود است. برخلاف دیدگاه فروم، در اسلام انسان بنده‌ی خداست و ادب بندگی تسلیم در برابر خدا را در پی دارد، اما این به معنای بی‌ارزش و پست بودن انسان نیست. هر چند گاهی در قرآن به ضعیف بودن انسان اشاره می‌شود، ولی در عین حال در آیاتی دیگر او را تحسین می‌کند.<sup>۱۶</sup> سیمین در شعر «سارا و من» عقیده دارد که دوگانگی شرک محض است و اساس این کفر را «شیطان روسیاه» بنا نهاده است و بنیاد هفتاد و دو ملت را او بر پا کرده است. در این ابیات بهبهانی درس خداشناسی، یکتاپرستی و تسلیم در برابر قدرت برتر را به خوانندگان خودش نشان می‌دهد:

سارا دو دست بالا برد	بر آسمان نگاهی کرد...
سارا که را صدا کردی	آن را که این جهان از اوست؟
آن را که آسمان‌ها را	روشن به مهر و ماهی کرد
پس با خدای من بودی	نه با خدای خود بودم!
وصف خدای من گفתי	کاندر دل تو راهی کرد!

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۱۰۹۷)

در این میان که سارا و سیمین به خطا کشیده می‌شوند، حافظ آزاداندیش میان آن‌ها به داوری می‌نشیند:

حافظ میان ما بنشست	گفت این دوگانگی شرک است
بنیاد این تعدد را	شیطان روسپاهی کرد
آن کور دل که نادیده	در جنگ با حقیقت شد
«هفتاد و دو» تفرق را	عذری پی گناهی کرد <sup>۱۷</sup>

(همان: ۱۰۹۸)

بنابراین سیمین، آزادی عقیده‌اش را همراه با دینداری و تسلیم در برابر خداوند به همه‌ی انسان‌ها تعلیم می‌دهد. این ابیات بزرگ‌ترین دستور آزادی و دین‌داری و تسلیم در برابر حق است، چرا که اگر انسان بنده‌ی خالق خود باشد، از همه چیز آزاد می‌شود. دیدگاه فروم درباره‌ی گرایش به دین برای امنیت و آزادی بنده‌ی خدا بودن است و در این مسأله سیمین با او هم عقیده است. فروم آزادی روزافزون مردمان جامعه‌ی غرب را «آزادی از...» و نه «آزادی به...» می‌داند. «برای گریز از آزادی، دو راه وجود دارد: راه حل اول رسیدن به آزادی مثبت از طریق

کوشش برای پیوستن به مردم و اتحاد دوباره با آن‌ها است، بدون آن که شخص آزادی و تمامیت خود را از دست بدهد» (فیست، ۱۳۸۴: ۲۳۳). آشکار است که این راه حل به رشد و توسعه‌ی توانایی‌های شخصی منجر نمی‌شود، اما اضطراب و تنهایی و احساس بی‌اهمیتی را از بین می‌برد. «به عقیده‌ی فروم، همین راه است که نشان می‌دهد چرا افراد بی‌شماری به پذیرش یک دین یا نظام اقتدارطلب در سال ۱۹۳۰ تمایل پیدا کردند» (کریمی، ۱۳۸۲: ۱۰۶). سیمین در جایی دیگر به وصف مادری که فرزندش را در زلزله از دست داده است، می‌پردازد. وی در این ابیات تصاویر گوناگونی از مرگ و تسلیم شدن در برابر سرنوشت را به مخاطبان‌ش گوشزد می‌کند:

به شب که مرغ و ماهی دو دیده بر هم نهاده	زنی به ویرانه‌ی خویش چراغ ماتم نهاده
از آن دو دست حمایل به تلی از آجر و گل	که گور فرزند او شد، دو شاخه مریم نهاده
تنش اذا زلزلت را به دیده تصویر کرده	به لرزه تفسیری از آن کلام محکم نهاده
به یاد فرزند دستی به سنگ و خاکش کشیده	برابر خود خیالی از او مجسم نهاده
به خاک صد بوسه داده به یاد آن تن که از خود	نشان تسلیم جان را چنین مسلم نهاده

( بهبهانی، ۱۳۹۴: ۸۸۳-۸۸۲ )

قدرت‌گرایی وقتی محقق می‌شود که قدرتی مساوی یا برتر بخواهد به ناحق و زور و بدون آن که استحقاقش را داشته باشد، با هدف برآورده شدن نفع شخصی خویش، کسی را به کاری امر کرده یا از کاری باز دارد و در نهایت او را بدون دلیل، پاداش داده یا عقاب کند. برای کسی که اندک آشنایی با ادیانی چون اسلام داشته باشد، واضح است که خدای این ادیان، مستبد نیست و همواره نهایت لطف و رحمت را بر بندگانش نازل می‌کند و در واقع، رابطه‌ی خدا و انسان، رابطه‌ی محبانه و عاشقانه است. برای مثال آیه‌ی «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ» (بقره: ۲۲۲) و «وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۰) بر این ادعا دلالت می‌کند.

### ۲-۱-۲- خدا مظهر قدرت

درادیان اقتدارگرا، خدا مظهر قدرت و چیرگی است؛ زیرا دارای قدرت برتر است و «انسان در مقایسه با او، به طرز رقت‌باری ناتوان است. زبان زور زیربنای الاهیات است؛ چون خداوند قادر و بر انسان چیره است، باید او را پرستید. این نگرش بنیادی به نهادها و سخن‌گویان دینی و سیاسی منتقل و قدرت ستودنی می‌شود. در این‌جا، پیشوا، پدر، محبوب ملت یا دولت یا نژاد یا چیزی خاص که قدرتی به او نسبت داده شده، خداوند و پرستیدنی می‌شود. زندگی فرد بی‌اهمیت تلقی می‌گردد و ارزش انسان در انکار ارزش و توانایی خود او خلاصه می‌شود» (فروم، ۱۳۶۳: ۵۲).

در اشعار سیمین، خداوند قدرتی برتر از انسان است و در عین حال گاهی در لابه‌لای اشعارش به بی‌ارزش بودن و پست بودن انسان اشاره می‌شود، اما در پایان، انسان در ضمن آفریده شدن از نطفه‌ای بی‌ارزش، تبدیل به موجودی می‌شود که خداوند با خلق او، به خود آفرین می‌گوید:

نطفه شد و خون بسته شد  
دیده به هر دیدنی گشود

پس رگ و غضروف و استخوان  
جان به کف آورده پیکری<sup>۱۸</sup>

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۹۵۲)

در اشعار دیگر بهبهانی می‌بینیم که خداوند در تمام مخلوقاتش نشانه‌هایی از خلقت بی‌مثل و مانند خود آفریده است. برای مثال وی در این بیت به ویژگی‌های بی‌حد و حصر خلقت یک جاندار و تحمل بیش از حد تشنگی او اشاره کرده است که صبر، حوصله و تحمل شتر نسبت به جاندارهای دیگر، دلیلی واضح از مظهر قدرت و بزرگی خداوند است:

و نگاه کن به شتر، آری، که چگونه ساخته شد باری  
نه ز آب و گل که سرشتندش زسراب و حوصله پنداری<sup>۱۹</sup>

(همان: ۹۶۹)



همچنین در شعر «نمی‌توانم ببینم...» از دفتر «خطی ز سرعت و از آتش» خدا را به عنوان مظهر قدرت چنین به تصویر می‌کشد:

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۵۹۵)

اندیشه‌ی خدا به عنوان مظهر قدرت، یکی از مؤلفه‌هایی است که در نوع خداشناسی

نمی‌توانم ببینم	جنازه‌ای بر زمین است
که بر خطوط مهیبش	گلوله‌ها نقطه چین است...
خدای خوبم، خدایا!	چرا بدی آفریدی؟
کسی که خوبی پسندد	چرا بدی آفرین است؟...

فروم و بهبهانی یکرنگ است و از یک نوع ساختمان فکری سرچشمه گرفته است، هر چند تناقضاتی در آن دیده می‌شود. برای نمونه می‌توان گفت در پرستیدن خداوند به عنوان مظهر قدرت «بایدی» در کار نیست، زیرا که هیچ‌گاه در پذیرش یک دین، اجبار و الزامی در کار نیست. این مطلب به روشنی از متون اصیل دینی، مانند قرآن کریم و روایات به دست می‌آید؛ مانند «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶)، «فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى» (اعلی: ۹)، چرا که انسان می‌تواند با استفاده از قدرت تفکر خویش و با تحقیق، به دینی گرایش پیدا کند که تمام نیازهای وجودی او را برآورده کند: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸-۱۷)، ولی بعد از پذیرش آن باید به تمام تعالیم و دستورات عمل شود. در ابیات زیر، بهبهانی به دو موضوع چالش برانگیز دینی اشاره می‌کند، یکی مسأله‌ی خلقت شرّ و بدی و دیگری عدل الهی:

«عدالت» است این که تیغش	نهفته در آستین است
ز عدل هم می‌گریزم	که خود نمودار ظلم است
به عدل، آن‌جا نیاز است	که ظلم مسند نشین است

(همان: ۵۹۶-۵۹۵)

درباره‌ی موضوع اول در قسمت اخلاق‌گرایی به آن می‌پردازیم. درباره‌ی عدل الهی باید گفت، اعتراض دیگری که بر عدل الهی می‌شود آن است که درد و رنجی که از ناحیه‌ی مصیبت‌ها، بلاها، بیماری‌ها و ... برای انسان‌ها به وجود می‌آید، با عدالت خداوند سازگار نیست:

کتاب و میزان و آهن، اشارتی آسمانیست

عدالت است اینکه تیغش نهفته در آستین است<sup>۲۰</sup>

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۵۹۶)

درد و رنجی که در حیات دنیوی گریبان گیر انسان‌ها می‌شود، بخشی از مصائب آدمی برخاسته از اعمال ناشایست او و نتیجه‌ی گناهان و خطاهای اوست. بدیهی است که چنین درد و رنجی که محصول کردار خود آدمی است، هیچ‌گونه منافاتی با عدل الهی ندارد. «متکلمان امامیه معتقدند که عدل الهی مقتضی جبران این گروه از آلام است؛ یعنی خداوند متعال، در دنیا یا در آخرت، نعمتی را به انسان درد کشیده می‌بخشد که از درد و رنج او بزرگ‌تر است و از این طریق، درد و رنجی را که به او متحمل شده است، جبران می‌کند» (سعیدی مهر، ۱۳۹۳: ۳۲۰).

### ۲-۱-۳- اعتقاد به معاد

گاه آرمان‌های عمده‌ی دین اقتدارگرا با زندگی حقیقی مردم پیوند دارد. «در راه آرمان‌هایی نظیر «زندگی پس از مرگ» یا «آینده‌ی نوع بشر»، زندگی و سعادت افراد معاصر، قربانی می‌شود. برگزیدگان دینی و دنیوی به نام ارزش‌های والای انسانی و سعادت و رستگاری که اغلب مفاهیمی انتزاعی و دست نیافتنی است، بر زندگی هموطنان خود مسلط می‌شوند» (فروم، ۱۳۸۷: ۲۱۵). یکی از بارزترین نکته‌های اشعار سیمین، اشاره به زندگی پس از مرگ و اعتقاد به معاد است. وی در این شعر به تأثیر از آیات الهی انسان‌ها را به پیشه کردن تقوی توصیه می‌کند و به آن‌ها وعده‌ی سیم و زر و شراب‌های آسمانی می‌دهد، همین اندیشه خود فلسفه‌ی اعتقاد به معاد را بازتاب می‌کند، اما با این نظریه‌ی فروم که معاد تسلط بر زندگی مردم دارد، در تناقض است؛ زیرا بهبهانی تحت تأثیر دین مبین اسلام به زندگی اخروی همچون هدفی والا توجه می‌کند:

طهور جام شوکران نصیب شد به طاهران  
به نوش آن پیمبران، سلامی آشنا کنم<sup>۲۱</sup>  
(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۵۵۱)

سیمین در ابیات زیر، علاوه بر بازتاب تصویری از جنگ تحمیلی، تصویر مادری را تداعی می‌کند که ضجه‌ها و ناله‌های خود را با دیدار فرزندش در دنیای دیگر (فردا مجاز از قیامت) تسکین می‌دهد و نقشی از معاد را همراه با واژگانی مانند صحرا، پل، محشر و فردا به تصویر می‌کشد:

با فرزند ایمان باید	شک، نه! مادر ایمان داشت
می‌چرخد سر می‌چرخد	مادر، مادر دامانت
این سر در دامان باید	تا آرامد از چرخش
اکنون دیگر تا فردا	دختر دختر، ای زیبا

صحرا، محشر، میزان، پل

دیداری زین سان باید

(همان: ۷۲۳)

در اسلام - برخلاف نظریه‌ی فروم - به معاد همچون مقصد نهایی انسان توجه می‌شود. پیامبر اسلام (ص)، افرادی را که روش رهبانیت و بی‌توجهی به دنیا را برگزیده‌اند، توبیخ نموده و فرمودند: در اسلام رهبانیت وجود ندارد.<sup>۲۲</sup> بنابراین سیمین نیز این اندیشه را در اشعار خودش گنجانده است، که با نظریه‌ی فروم در موارد یاد شده، اختلاف دارد.

## ۲-۱-۴ - گستردگی قانون و شریعت

انسان با قانون و احکام گسترده‌ای روبرو است. « برای انجام دادن هرکاری، از کوچک - ترین تا بزرگ‌ترین آن، باید حکمی به صورت امر یا نهی داشته باشد و همواره در چارچوب شریعت حرکت کند» (فروم، ۱۳۶۳: ۵۵). قاعده‌ی اساسی در ادیان توحیدی این است که پیروی از قانون هر شخصی، عبادت آن کس پنداشته می‌شود. ما مسلمانان پروردگار یگانه را پرستش می‌کنیم، بنابراین قوانین الهی را ضامن سعادت خود دانسته، تمامی اوامر او را بر خود تطبیق می‌دهیم. در شعری با عنوان «اذان»، سیمین به گسترش و تبلیغ دین می‌پردازد و با تصویرسازی زیبا از مسجد و مناره و گنبد نیلگونش، خواننده را به سکوت احترام‌انگیزی دعوت می‌کند:

مسجد و آن گنبد مینابیش / چون عروسی با حیا، سرد و خموش / در کنارش نیلگون  
گلدسته‌ها / همچو زیبا دختران ساقدوش / در سکوت احترام‌انگیز شام / بانگ جان‌بخش  
اذان آید به گوش. (بهبهانی، ۱۳۹۴: ۱۴۷)

در دیدگاه سیمین، انسانی که با هماهنگی کامل با طبیعت ولی بدون آگاهی از خویش در فردوس برین زندگی می‌کند با اولین اقدام خود در نیل به آزادی و سرپیچی از دستور، تاریخ خود را آغاز می‌نماید. همزمان با این اقدام به هستی خود، به بی‌همتا بودن خود و به ناتوانی خود پی می‌برد. سیمین در اشعار زیر رانده شدن آدم و حوا را که در بهشت تحت اجبار بودند، اما در زمین مختار و آزاد هستند، چنین بیان می‌کند:

پدر خورد گندم را <sup>۲۳</sup>	به سودای آزادی
کشیدند در بندت	به سودای آز اکنون
مبادا که از این سو	تو ای رانده از مینوا!
فریبد به ترفندت	دگر باره شیطانی

(همان: ۱۱۰۲)

انسان غالباً از انجام دادن تعهداتش ناتوان است، یا به دشواری آن را انجام می‌دهد، راه گریز از چنین امر سنگینی، یافتن کانون سرسپردگی است. انسان هرچه از آزادی بیشتری برخوردار باشد، مسئولیتش نیز بیشتر خواهد بود. آزادی مطلق مسئولیت مطلق را به دنبال دارد و این امری است که از عهده‌ی انسان خارج و بسیار سخت خواهد بود. کاستن از آزادی به معنی کاستن از مسئولیت است. بنابراین اگر انسان پیرو فرمان دیگری باشد، از مسئولیت‌هایش کاسته می‌شود. از آنجا که دین بهترین و مطمئن‌ترین کانون سرسپردگی را فراهم می‌سازد، انسان به دین گرایش دارد. به گفته‌ی فروم، «عامل گرایش انسان به قدرت‌ها و تسلیم شدن به فرمان حاکمان خودرأی، همین است که افراد از آزادی گریزان‌اند. بر اساس این دیدگاه، دین امری جاودان است؛ چون فرار از مسئولیت همیشگی است» (فروم، ۱۳۶۶: ۴۰).

این امر گرچه از انسان سلب آزادی می‌کند، از این نظر که بار مسئولیت اعمال آن‌ها را برعهده می‌گیرد، موجب سرسپردگی خواهد بود. پس انسان برای توجیه این مسأله، متوجه دین می‌شود.

## ۲-۲-۲- ادیان انسان‌گرا

ادیان انسان‌گرا برخلاف ادیان اقتدارگرا، بر محور انسان و توانایی‌های او بنا شده است. این نوع ادیان بر به کارگیری نیروی منطق انسانی برای شناخت خویشتن، ارتباط با هم‌نوعان، توسعه بخشیدن به نیروی عشق‌ورزی به دیگران و خود، تجربه کردن هم‌بستگی با همه‌ی موجودات و ... تأکید می‌کنند. در این‌گونه ادیان، «انسان در مسیر رسیدن به حداکثر قدرت گام برمی‌دارد و آنچه فضیلت به شمار می‌رود، تحقق نفس است نه اطاعت و فرمانبرداری از مقامی برتر. علاوه بر این، آنچه شخص بر اساس تجارب فکری و عاطفی به آن اعتقاد پیدا می‌کند، همان ایمان واقعی است و هیچ‌گاه نمی‌توان ایمان را پذیرش القائاتی از سوی مقامی برتر دانست. پرواضح است که شخص در ادیان انسان‌گرا احساس سعادت، خوشبختی و شادمانی دارد، نه احساس گناه و اندوه و ترس از قدرت برتر و عقوبت نافرمانی وی» (فروم، ۱۳۶۳: ۵۱). این ادیان دارای ویژگی‌های زیر هستند:

## ۲-۲-۱- توجه به انسان

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ادیان انسان‌گرا، توجه به انسان و توانایی‌های او است. انسان باید نیروی منطق خود را جهت شناسایی خویشتن و هم‌چنین موقعیت خود در جهان

توسعه دهد. هدف انسان در ادیان انسان‌گرا نیل به حداکثر قدرت است نه حداکثر عجز و ناتوانی (همان). او باید حقیقت را با توجه به محدودیت‌ها و استعداد‌های بالقوه‌ی خود بشناسد و خودش را به مقام بالا برساند.

سیمین دین را نوعی بینش و شناخت انسان و جهان می‌داند که از هرگونه خطایی به دور است. بنابراین افراد با تفاوت‌هایی که دارند، می‌توانند با اطمینان و یقین، چنین بینشی را بفهمند و بپذیرند و از طریق آن با یافتن نگرش مشترک، درگیری‌های اجتماعی را که برای آسایش انسان و کمالات ویژه‌ی او بسیار زیان‌آور است، از میان بردارند. وی در وهله‌ی اول مخاطبش را با انسان‌های ظاهرگرا روبرو می‌کند. او انسان‌های ظاهرگرا را که تمام افکار و اندیشه‌هایشان به ظواهر آدمی همچون قد، قیافه، چشم و ابرو ختم می‌شود، به «غول» تشبیه و نتیجه‌ی شعرش را به امید و آرزو ختم می‌کند و از قول مولوی می‌گوید: «انسانم آرزوست»:

جامی گناه خواهم	پیمانه‌ی تباهی
وانگاه توده‌ای خاک	آلوده با سیاهی
زان مایه‌ها بسازم	انگار شکل آدم
با دست‌های چوبی	با زلف‌های کاهی
کام و دهان گشاده	دندان‌ش اوفتاده
وان غول آدمی نام	رامم کند به دشنام
گویم به خود که دیدی	در آرزوی «آدم»
عمرت گذشت و اینک	این است آن چه خواهی!

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۵۱۳)

در این رابطه با نظریات فروم اشتراک دارد، چرا که وی می‌گوید: «در واقع نیاز به آرامش، کسب کمالات ویژه، به نگرش مشترک بستگی دارد و آن یا تنها به وسیله‌ی دین به دست می‌آید یا دین برای این منظور، بهترین گزینه است» (فروم، ۱۳۶۳: ۳۸). فروم بر خلاف نظر جامعه‌شناسان، نیاز به دین را موقتی و به دوره‌ای از زندگی انسان مربوط نمی‌داند؛ زیرا نیاز به نگرش مشترک، یک نیاز همیشگی برای بشر در اجتماع است و دین بهترین تأمین‌کننده‌ی آن است. بهبهانی در ابیاتی دیگر به جایگاه انسان توجه شایانی دارد. وی معتقد است که انسان مسیر تکامل را طی می‌کند، تا آن‌جا که به قول شاعر تبدیل به نور حق می‌شود:

بنگر که نور حق شدم

زیبایی مطلق شدم

در چهره‌ی سیمین نگر

با جلوه‌ی جانان برو

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۳۱۳)

تجربه‌ی دینی در این نوع ادیان، تجربه‌ی یگانگی با همه بر اساس پیوستگی فرد با جهان است که از راه تفکر و عشق حاصل می‌شود. هدف انسان در ادیان انسان‌گرا رسیدن به حداکثر قدرت است. «در انواع الاهی دین انسان‌گرا، خدا به جای آن‌که نماد زور و سلطه بر آدمی باشد، نماد قدرت‌هایی است که ممکن است در زندگی انسان تحقق یابد» (فروم، ۱۳۶۳: ۵۱). در این میان سیمین نیز با محو شدن در انوار الاهی سعی در رسیدن به کمال و برتری دارد، هر چند که برخلاف فروم این حداکثر قدرت برای وی مرتبه‌ی بالای معنوی را در برمی‌گیرد نه قدرت‌های مادی. اما گاه نیز پیش می‌آید که سیمین انسان را با اندیشه‌های والا روبه‌رو نمی‌کند، بلکه او را با پست‌ترین مقام انسانی به تصویر می‌کشد:

چه بود اگر آدمی را فرشته‌خو می‌سرشتی؟ چه پاکی آید از آن گل، که با پلبیدی عجبین است؟

که اشاره دارد به آیه‌ی: *و لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَآءٍ مَسْنُونٍ*. (حجر: ۲۶) و

همانا ما آدمی را از گل خشک، از لجن بویناک آفریدیم.

### ۲-۲-۲- دوسویگی عشق

در ادیان انسان‌گرا رابطه‌ی بین خدا و انسان، رابطه‌ی عاشق و معشوق است و انسان محبوب خدا است، چه فرمانبردار و چه نافرمان باشد. دوسویگی عشق یکی دیگر از اندیشه‌هایی است که در اشعار سیمین بهبهانی سایه افکنده است.<sup>۲۴</sup> رنگارنگ بودن دوسویگی عشق در تصاویر اشعار سیمین به قدری پویا و زنده است که دل عاشق و نزار سیمین را با تصاویر گوناگونی مانند: دل داغدار، مزار، دل سوخته، لاله‌زار، کویر جان، شکسته‌ساز، بنفشه‌زار دوری مواجه می‌کند:

زچه جوهر آفریدی

دل داغدار ما را

که هزار لاله پوشد

پس از این مزار ما را

ز سرشک نم فشانم

به بنفشه‌زار دوری...

منم آن شکسته سازی

که توام نمی‌نوازی

که فغان کنم زدستی

که گسسته تار ما را

ز کویر جان سیمین

نه گل و نه سبزه روید

دل رنگ و بو پسندت

چه کند بهار ما را

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۳۱۰)

بهبهانی در شعر «سارا و من» خدا را مظهر محبت و عشق و آفریدگار مهر و ماهتاب می‌داند، که دوسویگی عشق بین خدا و بنده را می‌توان مشاهده کرد. در پایان این بخش قابل ذکر است که، اریک فروم در کتاب روان‌کاوی و دین، معتقد است که روان‌کاو در پی موشکافی مسأله‌ی اساسی بازگشت انسان به دین و اعتقاد به خداوند نیست «بلکه این نکته است که آیا در زندگی انسان عشق و محبت جایی دارد یا نه؟» (فروم، ۱۳۶۳: ۱۹). عشق و محبت در زندگی انسان نقش مهمی دارد، اگر این عشق به معشوق واقعی باشد، چه بسا می‌تواند بر تمام مشقت‌های دنیوی غلبه کند، همچنانکه طبق فرمایش امام محمد باقر (ع) «دین همان محبت و محبت همان دین است» (بحار الانوار، ۱۳۶۲: ج ۶، ۲۳۸). فروم در رابطه با عشق به خدا او را حقیقت و عدالت می‌نامد که «در این تکامل خدا دیگر یک شخص، یک انسان و یک پدر نیست، بلکه در ماورای تعدد پدیده‌ها مظهر اصل وحدت است» (فروم، ۱۳۸۸: ج ۹۷). البته قابل ذکر است که گاه این عشق‌های دنیوی هستند که ما را به سر منزل مقصود پیوند می‌زنند.<sup>۲۰</sup> دیدیم که در لابه‌لای اشعار سیمین، عشق به خدا و تمام انسان‌ها ساری و جاری است.

## ۲-۲-۳- عشق و محبت به هم‌نوع و ادیان دیگر

یکی از ویژگی‌های ادیان انسان‌گرا عشق ورزیدن به هم‌نوع است که غالباً با ایثار و از خودگذشتگی همراه است.<sup>۲۱</sup> انسان «باید نیروی عشق ورزیدن را چه نسبت به دیگران و چه نسبت به خویشتن توسعه بخشیده و هم‌بستگی با همه‌ی موجودات زنده را تجربه نماید. باید اصول و هنجارهایی را جهت رسیدن به این هدف راهنما قرار دهد. تجربه‌ی دینی در این نوع ادیان؛ تجربه‌ی یگانگی با همه بر اساس پیوستگی فرد با جهان است که از راه تفکر و عشق حاصل می‌شود» (فروم، ۱۳۶۳: ۵۱).

از اندیشه‌های کلان بهبهانی عشق به هم‌نوع است. وی در این شعر مخاطب را با وفای به عهد روبه‌رو می‌کند. انسان‌گرایی و عشق به هم‌نوع در اشعار سیمین، مخاطبش را با تعجب و تأمل روبه‌رو می‌کند. او نوع‌دوستی را با نقش و نگاری متحرک و پویا به تصویر می‌کشد و مانند مرغ شباهنگ می‌نالد و پیکرش را مانند شمع آب می‌کند. در پایان، دل-بستگی و نوع‌دوستی او باعث می‌شود که مرگ را بر فراق و هجران رجحان دهد:

در حسرت دیدار تو بگذار بمیرم

بگذار به دلخواه تو دشوار بمیرم

در وحشت و اندوه شب تار بمیرم

تا از غم عشق تو دگر بار بمیرم

بگذار که در حسرت دیدار بمیرم

دشوار بود مردن و روی تو ندیدن

بگذار که چون ناله‌ی مرغان شباهنگ

می‌میرم از این درد که جان دگرم نیست

تا بوده‌ام، ای دوست، وفادار تو بودم

بگذار بدان‌گونه، وفادار بمیرم ...

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۳۳۴)

ترویج اندیشه‌های فقر وجودی و وفای به عهد یکی از بارزترین و برجسته‌ترین ویژگی‌های ادیان انسان‌گرا است. شاعر در تمام شعر «گل رویا» برای دوستان و هم‌نوعانش حتی اگر چه با وی میانه‌ی خوبی نداشته‌اند، آرزوی سربلندی دارد و بهترین‌ها را از خدا می‌خواهد، هر چند در همه حال برای وی آرزوی تنهایی کرده‌اند. در این اشعار سیمین خود را نقطه‌ی کوچکی از هستی می‌شمارد و در قیاس با هم‌نوع به غباری تشبیه می‌کند. چنین اندیشه‌ای برای شخصیت‌های انسان‌گرا، با تأمل و لذت همسو است، زیرا بیشتر از هر چیزی می‌خواهند وجهه‌ی والای او را بازتاب دهند:

آن که رسوا خواست مارا، پیش کس رسوا مباد!	وان که تنها خواست ما را، یک نفس تنها مباد!
آن که شمع بزم ما را با دمِ نیرنگ کشت	محفلش، یارب، دمی بی شمع شب فرسا مباد!
چون گزیراز همدمی گردنکش و مغرور نیست	با من از گردنکشان، باری، به جز مینا مباد!
چون گل رؤیا به گلزار عدم روئیده‌ایم	متنی از هستی ما بر سر دنیا مباد!

(همان: ۳۰۳)

اشاره به ادیان مختلف در لابه‌لای اشعارش و عشق و علاقه به آن قابل مشاهده است: دوازده چشمه‌ی خون

دویده بر پیرهنش<sup>۲۷</sup>

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۹۷۱)

دوازده چشمه‌ی خون، اشاره به معجزه‌ی حضرت موسی (ع) دارد که «وقتی بنی‌اسرائیل از شدت تشنگی به حضرت موسی، شکایت نمودند و از حضرت طلب آب کردند، حضرت موسی این معجزه را نمایان کرد» (طیب، ۱۳۷۸: ۴۳). یا در اشعار زیر:

از دو جادوان بابلی، گویا توان گرفته بود

شد نهنگ کوه پیکری پیش چشم دیرباوران<sup>۲۸</sup>

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۷۴۵)

باز یحیای آفتاب، میزد رقصی هوس نواز

بر گل افشان خون خویش زلف زر می‌کشد

(همان: ۵۷۲)

فروم بودائیسیم، تائوئیسم، مسیحیت، تعلیمات اشیا و بعضی روندهای مذهبی در ادیان یهودی و مسیحی، به ویژه عرفان و صوفی‌گری را نمونه‌هایی از دین انسان‌گرا می‌داند، اما دین یهودی و مذهب پروتستان را از نمونه‌های ادیان اقتدارگرا می‌نامد (فروم، ۱۳۷۰: ۲۱۶). وی از اسلام نامی نمی‌برد. در مقاله‌ی «بررسی و نقد دیدگاه اریک فروم در باب گرایش انسان به دین» نویسنده‌ی مقاله دین اسلام را «انسان‌گرا» می‌داند، «چرا که



دست کم درباره‌ی اسلام این اطمینان وجود دارد که به رغم داشتن این خصوصیت‌ها، انسان‌گراست. ( قشقای و اترک، ۱۳۹۲: ۹۱). ملکیان اسلام را جزو ادیان «اقتدارگرا» می‌داند و معتقد است که به دو جهت می‌توان دین اسلام را از ادیان اقتدارگرا به حساب آورد. زیرا در وهله‌ی اول اوصاف ادیان اقتدارگرا تقریباً بر اسلام منطبق است و دیگر آن که مذهب پروتستان که فروم از آن با عنوان اقتدارگرا نام می‌برد، به عقیده‌ی بسیاری به اسلام نزدیک است و اصولاً برخی علت پیدایش این مذهب را برخورد مسیحیان با مسلمین در اسپانیا و پرتغال و ... می‌دانند.<sup>۲۹</sup> اما با بررسی ادیان اقتدارگرا و انسان‌گرا در این پژوهش، می‌توان گفت که شریعت بهبهانی - دین مبین اسلام - با ذکر اختلافات و اشتراکات می‌تواند ترکیبی از هر دو ادیان باشد.

### نتیجه‌گیری

در اشعار سیمین نشانه‌های ایمان و تسلیم در برابر قدرت خدا کاملاً مشهود است. اما برخلاف دیدگاه فروم، در اسلام انسان بنده‌ی خدا است و ادب بندگی تسلیم در برابر خدا را در پی دارد و این به معنای بی‌ارزش و پست بودن انسان نیست. هرچند گاهی در قرآن به ضعیف بودن انسان اشاره می‌شود ولی در عین حال در آیاتی دیگر او را تحسین می‌کند. این ستایش‌ها ناظر بر جنبه‌ی تکوینی وجود او و نکوهش‌ها نیز ناظر بر خلقت اوست. در اشعار سیمین نشانه‌های ایمان و تسلیم در برابر قدرت خدا کاملاً مشهود است. هم‌چنین در پرستیدن خداوند به عنوان مظهر قدرت «بایدی» در کار نیست، زیرا که هیچ‌گاه در پذیرش یک دین، اجبار و الزامی در کار نیست و انسان می‌تواند با استفاده از قدرت تفکر خویش و با تحقیق، به آیینی گرایش پیدا کند که جامع‌تر باشد. یکی از بارزترین نکته‌های اشعار سیمین اشاره به زندگی پس از مرگ و اعتقاد به معاد است، اما با دیدگاه فروم که معاد باعث تسلط بر زندگی مردم می‌شود، تناقض دارد؛ زیرا در اسلام - برخلاف نظریه‌ی فروم - به معاد همچون مقصد نهایی انسان توجه می‌شود که در اشعار بهبهانی کاملاً نمود دارد و این به معنای غفلت از زندگی دنیوی و قربانی کردن آن به بهای آخرت نیست.

فروم در رابطه با عشق به خدا، او را حقیقت و عدالت می‌نامد. در لابه‌لای اشعار سیمین عشق به خدا، تمام انسان‌ها و حتی ادیان مختلف ساری و جاری است. همان‌گونه که در نظر اریک فروم دین یک نیاز همیشگی برای بشر و اجتماع است، سیمین نیز از این نیاز مبراً نیست و در اشعار وی می‌توان توحید را دید و در معرفت خداوندی بیش از پیش کوشید. خدا در نظر سیمین عطاکننده‌ی سربلندی در زندگی انسان‌ها است، قدرت خدا است که بندگان مؤمنش را یار و یاور است و آن‌ها را آبرومند می‌کند. در نظر فروم،

اقتدار گرایی و انسان گرایی در عین این که وجهی تشخیص بین ادیان مختلف است، اما امکان دارد هر دو در یک دین هم جمع باشند. اگر در دایره‌ی گسترده‌تری به مؤلفه‌های دینی اریک فروم دقت نظر داشته باشیم، می‌توانیم برخی از خصوصیات ادیان اقتدارگرا و انسان‌گرا را در دین اسلام و شریعت‌گرایی سیمین مشاهده کنیم، هرچند در بعضی از مؤلفه‌ها با یکدیگر تناقض دارند اما شباهت‌هایی نیز دیده می‌شود. زیرا فروم اصل ماهیت دین را با توجه به محدودیت توانایی انسان به رسمیت می‌شناسد، درحالی که دین مبین اسلام حقیقتی الهی است. بنابراین می‌توان گفت بعضی از ادیان هم می‌تواند اقتدارگرا و هم انسان‌گرا باشند، ولی درجه‌ی هرکدام متفاوت است. شاید مهم‌ترین نقدی که بتوان به فروم داشت، اصل ماهیت دین است. وی باید محدودیت توانایی‌های انسان را به رسمیت می‌شناخت و دین را حقیقتی الهی می‌دانست تا در تحلیل اندیشه‌هایش، برخی از تناقضات برگرفته از این اشتباه را بیان نکند.

## پی‌نوشت

<sup>۱</sup>. Paloutzian.

<sup>۲</sup>. Hood .

<sup>۳</sup>. Collins.

<sup>۴</sup>. Thouless.

<sup>۵</sup> (بقره: ۱۸۵)

<sup>۶</sup>. Mircea Eliade.

<sup>۷</sup> برای اطلاعات بیشتر نک: یاده، میرچا. (۱۳۹۳ الف) چشم اندازه‌های اسطوره، ترجمه جلال ستاری. تهران انتشارات توس.

<sup>۸</sup>. Rudolf otto.

<sup>۹</sup>. David Emil Durkeim.

<sup>۱۰</sup> Karl Heinrich Marx.

<sup>۱۱</sup>. auguste comte.

<sup>۱۲</sup>. Sigmund Freud.

<sup>۱۳</sup>. Karl Gustave Jung.

<sup>۱۴</sup>. Erich Fromm.

۱۵. در ترجمهٔ واژهٔ «Authoritarian» مترجم کتاب لغت «خودکامه» را برگزیده است. مصطفی ملکیان، در فایل صوتی با عنوان «درس گفتار منشا دین» (جلسه ۱۹) برای این واژه معنی «یکه تاز» را می‌آورد. نویسندگان این مقاله بر آن هستند که واژهٔ «اقتدارگرا» از خودکامه مفهومی‌تر و بار معنایی بهتری دارد. زیرا گاهی یک دین با وجود اقتدارگرایی مشروعیت دارد. مشروعیت یک دین معمولاً از بحث رضایت پیروان سرچشمه می‌گیرد. زیرا، رضایت پیروان باعث مشروعیت دینی می‌شود. در تعریف واژهٔ «Humanistic» مترجم کتاب واژهٔ «نوع‌خواهانه» را آورده است. نویسندگان این مقاله واژهٔ «انسان‌گرا» را انتخاب نموده‌اند؛ زیرا ریشهٔ واژه از «Human» به معنای «انسان» گرفته شده است.

۱۶. گاهی آیات قرآن به ستایش انسان می‌پردازد و این ستایش‌ها مربوط به جنبهٔ تکوینی وجود اوست؛ مانند: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم. (الإسراء، ۷۵)؛ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم. (التین، ۴) گاهی هم به نکوهش او می‌پردازد و این نکوهش‌ها نیز مربوط به خلقت اوست؛ مانند: خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا وَ إِنْسَانَ، ضَعِيفَ آفَرِيدَه شده است (التساء، ۲۸)؛ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ... انسان از عجله آفریده شده است... (الإسراء، ۱۱) این ستایش و نکوهش‌ها نسبی است؛ زیرا خداوند از سرِ حکمت و مصلحت خود به هر کدام از موجودات چیزهایی را داده و از اموری دیگر محروم کرده است.

<sup>۱۷</sup>. یادآور این بیت حافظ است:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندانستند حقیقت ره افسانه زدند (حافظ ۱۳۸۳، ۲۴۱)

<sup>۱۸</sup> بیت فوق اشاره دارد به آیه‌های: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نَظْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ.» (مؤمنون ۱۲-۱۳)

<sup>۱۹</sup>. اشاره به آیه: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ.» (غاشیه، ۱۷)

<sup>۲۰</sup>. اشاره به آیه: «إِنِّي إِذْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید، ۵۲)

<sup>۲۱</sup>. اشاره به آیه: «عَالِمِيَّ هُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَاسْتَبْرَقٌ وَحُلُوءٌ سَاوِرٌ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَمِيَّ هُمْ رِطْمٌ شَرَابًا طَهُورًا» («انسان»، ۲۰)

<sup>۲۲</sup>. رهبانیت در لغت «از ماده رهب به معنی خوف و ترس آمیخته با پرهیز و اضطراب است.» (مفردات راغب ۱۳۸۸، ذیل لغت رهب) و مراد از آن خوف و ترس از خدا است، که شامل گوشه‌گیری کامل و همیشگی و گوشه‌گیری ناقص و مقطعی است. گوشه‌گیری، قسم اول جایز نمی‌باشد، اما کناره‌گیری از مردم در زمان‌های محدود به منظور مناجات با حق تعالی، اشکالی ندارد. منظور ما در این بحث رهبانیت از نوع اول است که در جوامع مسیحی و کلیسایی رایج است. تاریخ برجای مانده از مسیحیت نشان می‌دهد که رهبانیت به صورت فعلی در قرون اول مسیحیت وجود نداشته، و پیدایش آن بعد از قرن سوم میلادی، هنگام ظهور امپراطوری رومی به نام «دیسوس» و مبارزه شدید او با پیروان مسیح (ع) بوده است. آن‌ها بر اثر شکست از این امپراطور (خون‌خوار) به کوه‌ها و بیابانها پناه بردند. (مکارم شیرازی ۱۳۸۷، ج ۲۳، ۳۸۸) اسلام به شدت آن را محکوم کرده است. «و عن

- رسول الله ص أنه نهى عن الترهّب قال لا رهبانية في الإسلام تزوجوا فإني مكاثر بكم الأمم و نهى عن التبتل ونهى النساء أن يتبتلن ويقطعن أنفسهن من الأزواج - مجمع البحرين مادة رهب. «(نعمان مغربی ۱۳۸۳ق، ج ۲، ۱۹۳ح ۷۰۱)
- <sup>۲۳</sup> برای تحلیل اسطوره خلقت از نظر اریک فروم رجوع شود به کتاب زبان از یاد رفته، ۲۵۸:۱۳۸۸-۲۶۱.
- <sup>۲۴</sup> برای اطلاعات بیشتر درباره عشق به خدا و انواع معشوق از نظر اریک فروم رجوع شود به مقاله «تفسیر کاربردی گونه های مختلف معشوق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریات اریک فروم».
- <sup>۲۵</sup> در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مبانی انسان شناختی دیدگاه‌های اریک فروم» به این مطلب درباره نقد دین از دیدگاه فروم رسیدم «فروم می‌کوشد راه غلبه بر اضطراب و تنهایی را «عشق بارور» معرفی کند، به نظر می‌رسد آنچه در این زمینه بیان می‌کند گاه حاکی از عشق ومحبتی دنیایی ومحدود و در نتیجه، ناقص است، در حالی که عشق واقعی آن است که هیچ‌گاه رو به زوال نبوده و نامحدود باشد؛ همان چیزی که در ادیان توحیدی، «عشق الهی» نامیده می‌شود.» (مصباح و اردکانی ۱۳۹۰، ۱۱۹)
- همان‌گونه که می‌دانیم، عشق بارور، نزدیک‌ترین رابطه بین دو شخص که در آن منزلت واحترام هریک محفوظ است، بنابراین گاه همین عشق‌های مجازی ودنیوی باعث بوجود آمدن عشق الهی و رسیدن انسان به کمال می‌شود که نمونه‌های آن در فرهنگ وادب ما کم نیست.
- <sup>۲۶</sup> برای اطلاعات بیشتر درباره ماهیت و انگیزه های عشق‌ورزی از دیدگاه اریک فروم رک به مقاله «ماهیت عشق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر دیدگاه اریک فروم» و هم چنین مقاله «عشق از دیدگاه سعدی و اریک فروم».
- <sup>۲۷</sup> اشاره به آیه: «وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ...» (بقره، ۶۰)
- <sup>۲۸</sup> منظور از دو جادوان بابلی، هاروت وماروت فرشتگان الهی هستند. «آن‌ها به زنی زیبا به نام زهره فریفته شدند وبه فسق و فحور پرداختند، خداوند آنها را در چاهی در همان سرزمین آویزان کرد.» (محمّدی ۱۳۷۴، ۴۵۲)
- <sup>۲۹</sup> این مطلب برگرفته از فایل صوتی مصطفی ملکیان با عنوان «درس گفتار منشا دین» (جلسه ۱۹) است.

## منابع

## کتاب‌ها

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الیاده، میرچا، (۱۳۹۳ الف)، چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستاری. تهران: توس
- ۳- -----، (۱۳۹۳ ب)، مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله زنگویی، تهران: سروش
- ۴- بهبهانی، سیمین، (۱۳۹۴)، مجموعه اشعار، تهران: نگاه
- ۵- توسلی، غلام عباس، (۱۳۷۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت
- ۶- حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۳)، دیوان، مصحح علامه محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار
- ۷- راغب‌اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۸)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی
- ۸- سعیدی مهر، محمد، (۱۳۹۳)، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، قم: موسسه فرهنگی طه
- ۹- شیروانی، علی، (۱۳۸۱)، مبانی نظریه‌های تجربه‌ی دینی، قم: بوستان کتاب
- ۱۰- طیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، چاپ دوم، تهران: اسلام
- ۱۱- فروم، اریک، (۱۳۷۰)، انسان برای خویشتن، ترجمه اکبر تبریزی، چاپ سوم، تهران: کتابخانه‌ی بهجت
- ۱۲- -----، (۱۳۸۷)، دل آدمی، مترجم گیتی خوشدل، چاپ یازدهم، تهران: پیکان
- ۱۳- -----، (۱۳۶۳)، روان‌کاوی و دین، ترجمه آرسن نظریان، تهران: پویش
- ۱۴- -----، (۱۳۸۸)، زبان از یاد رفته، ترجمه ابراهیم امانت، چاپ نهم، تهران: فیروزه
- ۱۵- -----، (۱۳۶۶)، گریز از آزادی، ترجمه عزت‌الله فولادوند، چاپ چهارم، تهران: مروارید
- ۱۶- فیست، جس و کریگوری جی فیست، (۱۳۸۴)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: روان
- ۱۷- کریمی، یوسف، (۱۳۷۷)، روان‌شناسی شخصیت، تهران: ویرایش
- ۱۸- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲)، بحارالانوار، تهران: دارالکتب اسلامی
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، پیام قرآن، قم: نشر مدرسه امیرالمومنین
- ۲۰- -----، (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از نویسندگان، ج ۲۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- ۲۱- ملکیان، مصطفی، (۱۳۹۵)، درس گفتار منشأ دین، فایل صوتی، شماره ۱۹
- ۲۲- مک کواری، جان، (۱۳۸۷)، تفکر دینی در قرن بیستم، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: امیرکبیر
- ۲۳- نعمان مغربی، قاضی، (۱۹۶۳)، دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا والاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه وعلیهم افضل السلام، تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، ج ۲، قاهره: دارالمعارف
- ۲۴- یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۹۰)، روان‌شناسی و دین، فواد روحانی، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی

## مقالات:

۲۵. اترک، حسین، (۱۳۹۲)، «بررسی و نقد دیدگاه اریک فروم، در باب گرایش انسان به دین»، طاهره قشقایی. فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۷۵-۹۴
۲۶. قنبرعلی باغنی، زهرا و اوجاق علیزاده، شهین، (۱۳۹۶)، «تفسیر کاربردی گونه‌های مختلف معشوق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریات اریک فروم»؛ فصلنامه تخصصی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، دوره ۹، شماره ۳۲، تابستان، صص ۳۱۰-۲۷۳
۲۷. -----، -----، -----، (تابستان ۱۳۹۶)، «ماهیت عشق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر دیدگاه اریک فروم»؛ فصلنامه علمی- پژوهشی اضاءات نقدیه، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۳۱-۱۱۱
۲۸. مصباح، علی و محیطی اردکانی، محمدعلی، (۱۳۹۰)، « بررسی مبانی انسان شناختی دیدگاه‌های اریک فروم»؛ معرفت فلسفی، سال هشتم، شماره سوم، صص ۲۲۶-۱۹۵
- ۲۹- منصور، محمد و دادستان، پریخ و راد، مینا، (۱۳۶۵)، لغت‌نامه روان‌شناسی، تهران: ژرف
- ۳۰- نظری، نجمه، (۱۳۹۴)، «عشق از دیدگاه سعدی و اریک فروم»؛ پژوهشنامه ادبیات غنایی، دوره سیزدهم، شماره ۲۴، تابستان و پاییز، صص ۲۸۲-۲۶

## منابع انگلیسی

- 31- Collins, G.R. (1996). *Religion and Psychology*. in Corsini and Auerbach (Eds), *Concise Encyclopedia of Psychology*. 2nd Edition. New York: John Wiley and Sons, PP 281-82
- ۳۲- Hood, R.W.,gr.,Spilka,B.,Hunsberger,B.,Gorsuch,R. (1996). *The Psychology of Religion: An Emperical Approach*. 2nd Edition. New York: The Guilford Press.
- ۳۳- Paloutzian, R.E.(1996) *Invitation to the Psychology of Religion*. (2nd Ed.) Boston: Allyn and Bacon